



افتتاح حساب در موسسات مالی غیر دولتی ندارد، از مراجع ذیصلاح در مورد باشگاه پرسپولیس استعلام شد و مشخص شد که این باشگاه هیچ حسابی در موسسه مالی کوثر ندارد. حتی در نامه این موسسه مالی در تاریخ ۳۰/۲/۹۶ به یکی از مراجع ذیربط اعلام شد باشگاه پرسپولیس هیچ حسابی در موسسه مذکور ندارد!

شماره حسابی که از طرف باشگاه پرسپولیس برای کمکهای مردمی در این موسسه مالی اعلام شده به نام «کمکهای مردمی هواداران پرسپولیس» ثبت شده است. حسابی که اگر به نام هواداران باشد باید با مجوز افرادی که در اساسنامه کانون هواداران دارای حق امضا هستند باشد. کانونی که سال ۸۱ توسط اکبر غمخوار تأسیس شده و پروانه فعالیت این کانون هم متعلق به غمخوار و دیگر اعضای ثبت شده آن است. هر گونه حکم و سمتی در این کانون باید به ثبت رسمی برسد که نرسیده، هر چند اینکه این حساب به نام کدام فرد حقیقی یا حقوقی است همچنان مبهم است؟!

حالا سوالاتی مطرح است که مسئولان امر می توانند

به آن پاسخ بدهند. در شرایطی که طبق اعلام موسسه مالی کوثر باشگاه پرسپولیس حسابی در این موسسه ندارد، شماره حساب اعلامی توسط چه شخص حقیقی و حقوقی افتتاح شده است؟ پولهای واریزی هواداران کجا می رود؟ چرا از تاریخ ۲۲ فروردین ۹۶ که آخرین اعلام کمکهای مردمی بوده هیچ وقت از طرف باشگاه به صورت رسمی مبلغ این کمکها اعلام نشده؟ چرا هیچ وقت اعلام نشده که این پولها کجا خرج شده... و سوالهای بی شمار دیگر که مسئولان باشگاه پرسپولیس می توانند به آنها پاسخ بدهند.

تیم فوتبال پرسپولیس در فصلی که گذشت به همان اندازه که در زمین باصلابت و قدرتتمند بود، به همان اندازه هم حواشی ریز و درشت مدیریتی داشت. استعفاهای صوری و چندباره طاهری، ابهامات زیاد در نقل و انتقالات و از همه مهمتر مشکلات مالی باشگاه فقط چند نمونه از حواشی خارج از زمین باشگاه پرسپولیس بود. در گیر و دار مشکلات مالی که پرسپولیسها درگیر آن بودند یکی، دو باری از هواداران درخواست شد که به کمک باشگاه بیایند و مبالغی را برای برطرف کردن مشکلات پرداخت کنند. حتی توسط باشگاه پرسپولیس شماره حسابی اعلام شد تا هواداران کمکهای نقدی خود را به آن حساب که در یک موسسه مالی اعتباری بود بریزند. موسسه مالی که یکی از اسپانسرهای اصلی باشگاه هم هست. بعد از اعلام شماره حساب توسط باشگاه پرسپولیس در اکانتهای رسمی باشگاه در فضای مجازی و سایت رسمی باشگاه مراجع ذیربط وارد کار شدند. از آنجایی که طبق قانون هیچ شرکت دولتی مانند شرکت فرهنگی ورزشی پرسپولیس حق

روایتی جالب از حضور بانوان در مسابقات لیگ جهانی والیبال

این زنان حرف نمی زنند!



حمیدرضا پناه کار

پاسخ منفی بدهند. حتی بانوانی که پرچم بلژیک را به همراه داشتند و خارجی بودند هم با خبرنگاران حرف نزدند. تا اینکه یک نفر که با فرزندش در گوشه پارکینگ آزادی بود جواب ما را داد. وقتی از او پرسیدیم چطور به سالن آمده اید خیلی راحت جواب داد: «برادرم کارمند وزارت ورزش و جوانان است. بلیت آورد، من و دخترم هم آمدیم.» از او سوال کردیم که به شما سفارشی نکرده اند برای اینکه در سالن تشویق نکنید یا همراه آقایان موج مکزیک نروید؟ که او گفت: «نه، اتفاقا کلی هم خوش گذشت. صدایم هم گرفته است.» این بانویی که والیبال ایران و بلژیک را از نزدیک دید تنها نفری بود که در این باره اظهار نظر کرد. اگر نه سایر نفراتی که از سالن بیرون می آمدند یا توسط نیروی انتظامی به سمت درهای خروجی هدایت می شدند و یا خودشان خیلی محکم می گفتند: «حرف نمی زنیم.»

همسر یکی از والیبالیست ها که در سالن حضور داشت و بازی با بلژیک را از نزدیک تماشا کرد در باره

جمعیتی از بانوان در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی! از مردم عادی گرفته تا خبرنگاران و همسر بازیکنان در جایگاهی ویژه نشسته بودند. با این حال این شایعه خیلی به گوش می رسید که فقط ۳۰ نفر از این بانوان از بین مردم عادی هستند و بقیه به صورت گزینشی انتخاب شده اند! یعنی برای اینکه فدراسیون جهانی والیبال، ایران را از میزبانی محروم نکند ۳۰۰ نفر از بانوان را که با تأیید فدراسیون والیبال انتخاب شده اند به سالن آورده اند تا بگویند آنها همان کسانی هستند که به صورت اینترنتی بلیت خریده و به ورزشگاه آمده اند. هبجان خاصی بود که تجربه می کردند. همراه با آقایان موج مکزیک می رفتند، همراه با آنها تشویق ایسلندی می کردند و بغضی را فریاد می زدند که سالها در سینه حبس بود. هر چند که بر چسب سفارشی بودن را به آنها زدند اما از اینکه به عنوان اعضای کوچکی از خانواده بزرگ بانوان در سالن بودند احساس غرور می کردند.

بازی والیبال ایران و بلژیک تمام شده بود. همه در حال خروج بودند. به محلی که بانوان حضور داشتند رفتم تا شاید بتوانم با آنها حرف بزنم اما هیچ کدام شان تمایلی به حرف زدن نداشتند. آخرین باری که پای یکی از بانوان به ورزشگاه رسیده و با خبرنگاران حرف زده بود، انتهایش به محرومیت از حضور بانوان ختم شده بود. شاید به همین دلیل هم بود که آنها تمایلی به حرف زدن نداشتند. شاید هم پیش شرطشان برای ورود به سالن این بوده که به درخواستهای خبرنگاران برای انجام مصاحبه

این تجربه می گوید: «اتفاق مهمی که امسال افتاده است این است که بر خوردها خیلی مناسب شده است. من از همه ماموران نیروی انتظامی و حراستی های سازمان تشکر می کنم اما در سالهای قبل خیلی از رفتارها مناسب نبود. امسال از سال قبل بهتر بود. کسی گیر نمیداد که چرا دارید تشویق می کنید. ما راحت تشویق می کردیم. واقعا برای اولین بار فکر کردیم به چیزی که می خواستیم رسیده ایم و بدون هیچ مشکلی در مملکت خودمان داریم یک بازی والیبال را تماشا می کنیم. باید از همه کسانی که شرایط این کار را فراهم کردند تشکر کنم.»

او در پاسخ به این سوال که بانوانی که آمده بودند افراد عادی جامعه بودند یا نه، این واکنش را نشان داد:

«قیافه خیلی ها که آشنا بود و دوروبری های خودم را که می شناختم. بیشتر کسانی که آمده بودند خانواده ورزشکاران، دختران والیبالی و فوتبالی، مربیان و داوران بودند. آدم غریبه خیلی کم بود. تا جایی که من می دانم هر ورزشکار ۳ سهمیه بلیت داشت که می توانست به خانواده اش بدهد.»

همسر ملی پوش والیبال در پایان به یک نکته عجیب اشاره کرد و گفت: «در موقع ورود به سالن خانمی از من سوال کرد که چطور می تواند به ورزشگاه ورود کند که به او گفتم باید بلیت داشته باشی. جالب اینجاست که همان خانم را در سالن دیدم. به او گفتم چطور آمدی داخل که گفت ۴۰ هزار تومان دادم بلیت خریدم! نمی دانم از کجا خریده بود اما در سالن حضور داشت!»